

## راهکارهای صفویان در ترغیب مردم ساوه به پذیرش مذهب تشیع

صغری فهیمی

### چکیده

مذهب تشیع امامیه برای اولین بار در زمان حکومت صفویه رسمیت یافت. روش صفویان در تغییر مذهب، در مناطق مختلف به تناسب میزان پذیرش مردم آن سرزمین، متفاوت بود. در این میان ساوه، یکی از مراکز سنتی نشین بود که با تدابیر حکومت صفویه به مذهب تشیع گرایش یافت. مردم ساوه، زمینه پذیرش مذهب تشیع را داشتند و شافعی مذهب بودن آنان و نیز هم جواری آنها با دو شهر شیعه نشین، همراه با تدابیر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت صفویه، باعث تغییر مذهب آنان بدون اجبار شد. اطلاعات مرتبط با این موضوع، از طریق منابع مکتوب دوران صفویه و قاجار جمع‌آوری گردید و با روش تاریخی - توصیفی و تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفت. با بررسی تلاش حکومت صفویه در تغییر مذهب مردم ساوه، این نتیجه به دست می‌آید که غالب روش‌هایی که صفویه در این مسیر از آن بهره بردند، بدون تحمیل و اجبار بوده است. آنها با رونق اقتصادی، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و با به‌کارگیری عالمان شیعه در اداره امور کشوری و اقتصادی، باعث گرایش مردم ساوه به مذهب شیعه امامیه شدند.

واژگان کلیدی: تشیع، ساوه، تغییر مذهب، صفویه، راهکار سیاسی، راهکار اقتصادی.

## مقدمه

دوره حکومت صفویان (۸۸۰-۱۱۰۱ش) از مهم‌ترین دوران‌های تاریخی کشور ایران به شمار می‌آید؛ زیرا برای اولین بار، ایران پس از اسلام، دارای حکومت مرکزی بود و آنان بر تمام مناطق تسلط داشتند. صفویان در طول حدود ۲۲۱ سال حکومت، با بهره‌گیری از نیروی بالقوه مذهب تشیع، تمام اقوام ایرانی را در کنار یکدیگر قرار دادند و در مقابل اهل سنت، اتحاد مذهبی ایجاد نمودند. آنان با توجه به مکان‌های گوناگون و با کاربست روش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مذهب تشیع را در ایران نهادینه کردند.

بعد از ورود اسلام به سرزمین ایران، مردم شهر ساوه آن را پذیرفتند و در ادامه، شافعی‌مذهب شدند. آنها پس از روی کار آمدن حکومت صفویه، مذهب شیعه را اختیار کردند. زمینه‌گرایی به تشیع در مردم ساوه وجود داشت. در این میان، شافعی‌مذهب<sup>۱</sup> بودن آنان و هم‌جواری با قم و آوه، به عنوان دو مرکز شیعی، به همراه تدابیر دولت صفویه، موجب شد تغییر مذهب در این شهر، بدون درگیری و خشونت انجام شود. حال سؤال این است که صفویان با استفاده از چه راهکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، موفق به گرایش دادن مردم ساوه به تشیع شدند؟

در موضوع تغییر مذهب مردم ساوه از شافعی به تشیع، به طور خاص اثری یافت نشد، اما مقالاتی وجود دارد که در آنها، حکومت صفویه از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده‌اند. همچنین در مورد شهر ساوه و گذشته تاریخی آن نیز مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. هرکدام از این مقالات، به قسمتی از موضوع اشاره دارد که به عنوان مثال به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

مقاله «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه» (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶، ص ۶۳-۷۸) به مباحث موقوفات و چگونگی دریافت مالیات در عهد صفویان اشاره شده است. در این میان، بخش‌های مالیاتی و صرف درآمد موقوفات برای عمران و آبادی، از نکات قابل استفاده در این پژوهش مقاله بود.

۱. شافعی بنیانگذار دومین مذهب فقهی اهل سنت است. او دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام بود و این نکته در اشعارش انعکاس دارد. رفتار او در ارادت به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام به گونه‌ای بود که او را رافضی می‌خواندند (شافعی، ۱۴۱۴، ص ۷۲).

دو مقاله «آموزش‌های نظری در عصر صفویه» (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳-۱۶۸) و «بررسی تعلیم و تربیت در دوره صفویه» به اهمیت و نقش حاکمان صفوی در آموزش همگانی، ساختن مساجد و مدارس به عنوان مراکز آموزشی آن دوران پرداخته است.

مقاله «بررسی کاروان‌سراهای عصر صفوی» (منتظرالقائم، ۱۳۹۰، ص ۲۲۹-۲۳۷)، به موضوع ساختن کاروان‌سراها که تأثیر فراوانی در آسایش مردم در سفرهای تجاری و تشویق آنان برای رفتن به سفرهای زیارتی داشت و نیز روش‌های مورد استفاده صفویه در تغییر مذهب اشاره دارد.

دو مقاله «جغرافیای تاریخی ساوه» (رضوانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷-۳۲) و «ساوه در گذر زمان» (کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۸۱-۱۰۲) نیز به نکاتی از قبیل وجود بعضی از قبایل در ساوه و ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی ساوه اشاره دارند.

شهر ساوه در مرکز ایران واقع شده است و محدوده آن از شمال به شهرستان زرنديه و استان قزوین، از جنوب به شهرستان تفرش و استان قم، از شرق به استان تهران و از غرب و جنوب غربی به استان همدان محدود می‌گردد (برسوی، ۱۴۲۷، ص ۲۹).

ساوه یکی از شهرهای ایران با قدمت تاریخی است. در زمان ساسانیان که مذهب زرتشت، دین رسمی ایران بود، مردم ساوه نیز زرتشتی بودند (قمی، ۱۳۸۵، ص ۱۵، ۴۴ و ۱۰۲)؛ بنابراین مردم ساوه قبل از ورود اسلام، زرتشتی بودند. دین مسیحی و یهودی نیز در بین آنان رواج داشت، اما دین غالب آنان زرتشتی بود. انتقال مادر آتشکده‌ها از قم به ساوه، که همواره باید روشن باشد، حاکی از وجود زرتشتیان در شهر ساوه قبل از ورود اسلام است (همان، ص ۱۴). پس از فتح جبال و نبرد نهاوند در سال ۲۳ق، عماربن یاسر به امر خلیفه دوم، والی کوفه، عروه بن زید الخلیل را با هشت هزار سپاهی از مسیر همدان - ساوه به سوی ری فرستاد (ابن فقیه، ۱۴۱۶، ص ۵۳۷) و فتح ساوه در همین نبرد رخ داد.

پس از فتح ایران، مردم ساوه مسلمان شدند و به مذهب شافعی گرایش یافتند (حموی، ۱۹۸۰م، ص ۴۲۱). در نزدیکی ساوه، شهر آوه قرار داشت که دارای مردمانی شیعی مذهب بود (همان) و همواره بین آنها جنگ و جدل جریان داشت (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۶). این دو شهر تا زمان حمله مغول در سال ۶۱۷ق آباد بودند و این یورش، باعث خرابی شهر ساوه و از بین

رفتن کتابخانه بزرگ شهر شد (حموی، ۱۹۸۰م، ص ۴۲۱). شهر ساوه، در زمان حکومت صفویه بازسازی و آباد شد (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۶).

این موضوع دارای اهمیت زیادی است که دولت صفویه، به عنوان اولین دولت مقتدر ایرانی، با به کارگیری توانایی بالقوه مذهب تشیع، حاکمیت خود را تثبیت کرد و ایرانی متحد را در مقابل قدرت‌های آن زمان به وجود آورد. آنان با استفاده از روش‌های مختلف سیاسی، مذهبی و اقتصادی، تمام توان خود را در مسیر استقرار دولت شیعی به کار بردند. روش‌ها و عملکرد آنان در تغییر مذهب، در پاره‌ای جهات، به نفع مذهب تشیع و در بعضی موارد، سبب بدعت‌هایی شد که شکاف عمیقی در میان امت اسلامی ایجاد کرد. واکاوی روش آنان در تغییر مذهب هر شهر باعث می‌شود که عملکرد آنان از زوایای مختلف بررسی و نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود.

### ۱. راهکارهای سیاسی در گرایش مردم ساوه به تشیع

حاکمان صفویه برای تغییر مذهب مردم از روش‌های متفاوت سیاسی استفاده می‌کردند. آنها با ادغام دین و سیاست، از دین بیشترین بهره‌برداری را در راستای تحکیم قدرت و حکومت خود بردند. در ادامه، به روش‌های سیاسی در جهت تغییر مذهب اشاره می‌شود.

#### ۱.۱. ساوه، پایگاه نظامی گسترش تشیع

دولت صفویه برای استقرار سپاهیان و محل نگهداری مهمات جنگی، در نزدیکی شهر ساوه اقدام به تأسیس زرادخانه کرده بود (فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۲) در واقع، ساوه زرادخانه (قورخانه) صفویه بود (باباپور، ۱۳۹۱، ص ۳۷۴) و قورچیان قزلباش، در قورخانه بیرون شهر ساوه مستقر بودند. واضح است که قورچیان قزلباش برای تأمین نیازهای خود به شهر ساوه رفت و آمد داشتند. کلاه قزلباش به گونه‌ای طراحی شده بود که ائمه دوازدهگانه را یادآوری می‌کرد و مهم‌ترین شعائر شیعی نیز اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام بود. صفویه با طراحی کلاهی که یادآور این اعتقاد مردم بود

۱. در فارسی به معنی جای اسلحه و ابزار جنگ است که از جبهه عربی به معنای زره و سنان مأخوذ شده است. زرادخانه و قورخانه در عصر صفویه به اداره اسلحه‌سازی اطلاق می‌شد و رئیس آن را جبه‌دارباشی می‌خواندند (فراهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۰۲)

توانستند با هنرنمایی تجسمی و بهره‌گیری از بهترین شیوه تبلیغ اولین دیدار که همواره در ذهن ماندگار می‌شود، تشیع را بدون استفاده از گفتار تبلیغ کنند. این کلاه به رنگ قرمز بود و ۱۲ ترک به نشانه دوازده امام داشت و همه سپاهیان قزلباش از این کلاه که نماد تشیع و انقیاد در برابر شاه بود، استفاده می‌کردند (باربارو، ۱۳۸۱، ص ۳۴۷ و بنکدار، ۱۳۹۵، ص ۱۹۵-۲۱۸). حضور سپاه قزلباش در بین مردم با کلاه نمادینی که نشان‌دهنده تعداد ائمه علیهم‌السلام بود، مؤثرترین روش تبلیغ در دین بود. کارکرد نمادسازی، رسیدن سریع به هدف است. اگرچه این نماد در تمام نقاط ایران کاربرد داشت، اما در شهر ساوه به علت وجود پایگاه نظامی و رفت و آمد قزلباش‌ها در بین مردم، تاثیر بیشتری نهاد.

## ۱،۲. نقش مناصب حکومتی علما در گسترش تشیع

قزلباش با تفکرات صوفیانه، توانمندی تشکیل حکومت را نداشت. آنان باید حکومتی با ساختار اسلامی به وجود می‌آوردند؛ بنابراین برای اداره کشور، نیازمند بهره‌گیری از مبانی فقهی بودند تا ساختار حکومت خود را بر مبنای صحیح پایه‌ریزی کنند. صفویان که برای سامان بخشیدن به حکومت خود، به حضور و حمایت عالمان شیعه نیاز داشت، از علمای شیعه درخواست کرد تا با حکومت همکاری کنند. علما ضمن پاسخ به این دعوت، باور رایج صفویه را در قالب حکومت الهی شاه حفظ کردند و آن را به تشیع اثنی عشری تبدیل نمودند (ابی صعب، ۱۳۹۶، ص ۱۰۱). در دوره صفویه، مناصب عالی دینی به علما سپرده شد و آنان امور دینی و دنیوی مردم را سر و سامان می‌دادند (میرخواند، ۱۲۷۰، ص ۴۶۴). واضح است زمانی که عالمی خودساخته در شمار کارگزاران حکومتی قرار گیرد و در پاسخگویی به نیازهای دینی و دنیوی مردم توانمند باشد، مردم نیز به مذهب چنین فردی گرایش می‌یابند. در این دوره، ایالات عراق عجم در قبال سایر ایالات، وضع خاصی داشت. ساوه نیز در سال ۱۰۱۵ق، حاکم نشین بود (استرآبادی، ۱۳۷۷، ص ۷۸۶) و به امر شاه، به شرعیات و وقفیات حاکم نشینانی مانند ساوه، از طریق صدارت عام رسیدگی می‌شد (مرعشی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵ و کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶). در این میان، یکی از مهم‌ترین مشاغل، مقام تولیت آستانه بود که با فرمان‌ها و نشان‌های پادشاهان وقت تأیید می‌شد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۹۴ و ۱۳۶۱، ص ۲۲۹). علما

و سادات از جمله گروه‌هایی بودند که شاه تصدی امور موقوفات را به آنها سپرد. در ساوه نیز به رسم حکومت صفویه چنین بود. به علت موقوفات عهد صفویه (شاملو، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۷) در ساوه، به افرادی نیاز بود که بتوانند در این مقام ایفای نقش کنند. در این زمینه به شواهدی اشاره می‌شود:

امیر ابوالولی فرزند شاه محمود انجو حسینی حسینی شیرازی، از سادات بود. او مردی عالم، فاضل، متکلم، فقیه و شیعه متعصب بود (افندی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۹۶). او در سال ۹۸۴ ق متولی آستانه شیخ صفی‌الدین در ساوه شد (ترکمان، بی‌تا، ص ۱۴۸-۱۸۲). متولی اختیار داشت درآمد موقوفات را در پیشبرد تعلیم و تربیت و پرداخت حقوق معلمان هزینه کند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۳۹). امیر ابوالولی، به عنوان یکی از فقهای شیعه امامیه، در تغییر مذهب مردم ساوه نقش داشت. او از قول خواجه جمال‌الدین شیرازی و سید صفی‌الدین استرآبادی حدیث نقل می‌کرد و به واسطه پدر خود، از شیخ ابراهیم قطیفی روایت می‌نمود. سید حسین کرکی از شاگردان شیخ بهایی، و سید نعمت‌الله جزائری و شیخ ابراهیم حرفوشی از وی روایت کرده‌اند (خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۱۷۹ و صدر، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۴۲۷). التزام امیر ابوالولی به نقل روایت از معصومین علیهم‌السلام از یک سو و دارا بودن مقامات اجرایی دولت صفویه از سوی دیگر باعث شد که تغییر مذهب در بین مردم ساوه سریع‌تر انجام شود. به عبارت دیگر، آگاهی وی به روایات معصومین علیهم‌السلام و رواج آنها در میان مردم و نیز دارا بودن منصب سیاسی باعث شد که وی نقشی اساسی در تغییر مذهب ساوجیان ایفا کند.

### ۱.۳. نقش حاکمان محلی ساوه در گسترش تشیع

حاکمان محلی ساوه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش تشیع در این منطقه داشتند. آنها از یک سو با مردم در ارتباط بودند و از سوی دیگر با یاری دادن به شاهان صفوی در جنگ‌ها، توجه حکومت را به شهر و دیار خود جلب می‌کردند. شاهان صفوی در دوره‌های آغازین حکومت و در زمان تثبیت خود، در انتخاب حاکمان محلی، به توانمندی فرد در عمران و آبادانی و همچنین شیعه بودن آنها تکیه می‌کردند. آنها افرادی را انتخاب می‌کردند که صلاحیت داشته باشند تا باعث تثبیت قدرت دولت صفویه شوند. افرادی که مناصب

حکومتی داشتند، در راستای آبادانی و عمران تلاش می‌کردند و همین امر سبب می‌شد که سطح زندگی مردم تغییر کند. چنین رفتاری در نهایت سبب می‌شود که مردم با حاکم همکاری کنند و در پذیرش خواسته‌های او کوشش کنند. ترویج تشیع از جمله اهداف حاکمان صفوی بود که از طریق عمران و آبادانی شهرها قابل دسترسی بود.

ساوه در عصر صفویان، به عنوان اقطاع یا تیول، از سوی پادشاهان به افراد مهم حکومتی واگذار شد. از جمله در سال ۱۰۰۶ ق شاه عباس اول فرمان داد تا ساوه را به اقطاع به جهانگیر والی نور تحویل دهند که این فرد نیز در جهت آبادانی شهر ساوه تلاش کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۶۱). بنابراین تلاش افرادی مانند جهانگیر، روند گرایش به تشیع مردم ساوه را تسریع کرد. در ادامه، به تعداد دیگری از این حاکمان اشاره می‌شود:

شاه اسماعیل صفوی پس از فتح جبال، در سال ۹۱۴ ق خواجه شمس‌الدین پیرمحمد ساوجی را به حکومت ساوه منصوب کرد. خواجه پیرمحمد در آبادانی و عمران ساوه کوشش نمود؛ از جمله در جنوب میدان اصلی ساوه، مسجدی باشکوه بنا کرد که نام وی و تاریخ اتمام بنا بر سر در ورودی آن نوشته شده است. در کنار این مسجد، آرامگاه برخوردار بیگ، فرمانده توپخانه ایران به صورتی باشکوه ساخته شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۲ و ذکایی ساوجی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶). فرد دیگری که در تغییر مذهب مردم ساوه نقش داشت، سیدناصر سیدمبارک بود که به حکم شاه عباس اول به حکومت ساوه رسید. سیدمبارک نخستین فرد از خاندان مشعشعیان است که خان نامیده شده است (دلواله، ۱۴۲۷، ص ۱۱۰؛ فسایی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۰۸۵ و کسروی، ۱۳۸۴، ص ۶۷). وجود چنین افرادی با اعتقادات شیعی، زمینه گرایش مردم ساوه به مذهب تشیع را فراهم آورد. انتخاب سیدناصر به عنوان حاکم ساوه، که از سادات و از سلسله مشعشعیان بود، حکایت از اهمیت مذهب افراد و توانمند بودن در تبلیغ آن دارد. حاکم توانمند شیعه که از نسل ائمه علیهم‌السلام باشد، نقش محوری در گرایش مردم به تشیع خواهد داشت. شاهان صفوی، در ساوه از این استعداد بالقوه برای تغییر مذهب بدون اجبار بهره بردند.

## ۲. راهکارهای اقتصادی صفویان در گرایش مردم ساوه به تشیع

دولتمردان صفوی در مسیر عمران و آبادانی کشور تلاش فراگیری از خود نشان دادند

که این امر در ابتدای حکومت آنها بسیار چشمگیر بود. در همین راستا، آنها از روش های اقتصادی بیشترین بهره را بردند. در ادامه، به راهکارهای اقتصادی صفویه در جهت تغییر مذهب پرداخته خواهد شد.

### ۲.۱. بخشودگی مالیاتی و عواید موقوفات

بخشودگی مالیاتی با عناوین مختلف، قبل از حکومت صفویه رواج داشت. در تاریخ ایران، بخشودگی مالیاتی در بین بعضی از شاهان، برای آبادانی کشور مرسوم بود. یکی از انواع این بخشودگی، به «سیورغال»<sup>۱</sup> (مشتاقی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۱ و ریچی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳) مشهور است. اعطای سیورغال و بخشش های مالیاتی (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۴) و هزینه کردن آن در جهت بهبود وضعیت مردم، در گرایش مردم ساوه به تشیع نقش داشت. آستان شاهزاده حسین در ساوه، از اماکن متبرکه ای بود که شاهان صفوی عایدات موقوفات آن را به متولی آن بخشیدند تا از طریق کسب درآمد آن، هزینه زندگی کارگران و کشاورزان تأمین شود. در وقف نامه آستان مقدس شاهزاده حسین چنین آمده است: «در این وقت بنا بر عنایت بی غایت شاهانه درباره متولیان مزار متبرکه منوره امامزاده حسین علیه السلام مبلغ دو هزار دینار تبریزی از بابت مال و جهات مزرعه مرد کرران ساوه که از زمان شاه جنت مکان علیین آشیان، به سیورغال مزار متبرکه مقرر بود به دستور به سیورغال ابدی و احسان سرمدی مزار متبرکه شفقت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم» (میرخواند، ۱۲۷۰، ص ۳۶۰ و شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۵۷۳). همچنین در جای دیگر، نام متولیان نیز ذکر شده است: «... در واگذاردن مبلغ دو هزار دینار تبریزی از بابت مال و جهات مزرعه مرد کرران ساوه... با ذکر نام متولیان آستانه در آن تاریخ که سه تن با نام های درویش قنبر و درویش عرب قلی و درویش محمد علی بوده اند» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۶). این بخشش مالیاتی در زمان صفویه که با ذکر نام افراد آمده است، اجرا می شد. واضح است که چنین بخشش هایی که باعث می شود سطح زندگی مردم از نظر اقتصادی بهبود یابد، گرایش مردم به مذهب چنین افرادی را بیشتر می کند.

۱. سیورغالات: لفظی ترکی، جمع سیورغال به معنی انعام، مدد معاش، تیول و زمینی که پادشاه برای معیشت به ارباب استحقاق بخشد. عواید زمین که به جای حقوق یا مستمری به اشخاص بخشند (مشتاقی نایینی، ۱۳۶۶، ص ۱۱۱ و ریچی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳).

بهبود وضع اقتصادی مردم به آنها کمک می‌کند تا در شرایط بهتری تصمیم بگیرند. پذیرش حکومت و انجام دستورات آن و همدلی با مسئولین دولتی در این وضعیت امکان‌پذیر است. حکومت صفویه با توجه به عزم در عمران و آبادانی و بهبود شرایط اقتصادی مردم، برنامه‌هایی را اجرایی کرد تا به هدف خود برسد. یکی از اهداف مهم آنها، تغییر مذهب بود که با توجه به شرایط موجود انجام شد.

## ۲.۲. رونق کشاورزی و بازرگانی و سفرهای سیاحتی و زیارتی

شهر ساوه از یک سو به علت ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی و از سوی دیگر شاهراه بودن برای عبور کاروان‌ها، مورد توجه شاهان صفوی بود. این مکان همچنین تفرجگاه و شکارگاه سلاطین بود (جنابندی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۳). کشاورزی با بازسازی سد (لسترنج، ۱۴۱۳، ص ۲۴۸) (معروف به بند شاه عباس) که در زمان سلجوقیان توسط خواجه شمس‌الدین ساخته شد (شاردن، ۱۳۷۲، ص ۵۱۶) و به مرور زمان دچار آسیب دیدگی شده بود، رونق گرفت.

پذیرش یک حکومت و خواسته‌های آن در فضایی شکل می‌گیرد که سطح زندگی عامه مردم تغییر کند. برنامه صحیح اقتصادی باید در زندگی مردم نمود پیدا کند و تحول از خرابی به سوی آبادانی، خواست اقشار ضعیف و قوی است. دولت صفویه، این تحول را در شهر ساوه ایجاد کرد و به همین علت، یکی از عواملی که مردم در مقابل تغییر مذهب واکنش منفی نشان ندادند و آن را پذیرفتند، پیگیری حکومت در عمران و آبادانی بود. ساختن کاروان‌سراها و رباط‌ها در دوران صفویه باعث رفاه و امنیت مسافران و همچنین رونق اقتصادی شد (سیلوا ای فیگر، ۱۳۶۳، ص ۲۵۸ و جملی کاری، ۱۳۴۸، ص ۵۱). بازرگانان و زوار قبور ائمه علیهم‌السلام و امامزادگان، در چنین مکان‌هایی امنیت مالی و جانی داشتند و از این رو، سفرهای تجاری و زیارتی رونق یافت. همچنین معماری کاروان‌سراها و وجود امکانات رفاهی مناسب باعث جذب جهانگردان خارجی شد.

در این میان، ساوه در مرکز کشور واقع شده و شاهراه عبور مسافران بود. وضعیت جغرافیایی شهر ساوه سبب می‌شد این شهر در راهبرد ملی صفویان قرار گیرد. همچنین توسعه شبکه‌های ارتباطی و فضاهای شهری را که با ساخت راه‌ها، کاروان‌سراها، رباط‌ها و

پل‌های فراوان توأم بود، نصیب خود سازد. به همین علت ساوه در زمان شاه عباس اول در مسیر آبادانی حرکت کرد.

عبور کاروان‌ها، به‌ویژه کاروان‌های زیارتی از شهر ساوه سبب ارتباط بیشتر شیعیان با مردم ساوه می‌شد و از این طریق، مذهب تشیع به صورت غیرمستقیم مورد تبلیغ قرار گرفت. کاروان‌سراها محل امنی برای استراحت قافله‌ها بود و وجود آنها مسافران را ترغیب به سفر می‌کرد. تعدادی از کاروان‌سراهای اطراف ساوه (دروویل، ۱۳۷۰، ص ۷۶) عبارتند از: کاروان سرای آوه (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۱۸۵)، کاروان سرای زینب بیگم در نزدیکی ساوه (شادرن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۵)، کاروان سرای هُجیب در ۴۸ کیلومتری جاده بوئین‌زهراب به ساوه (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۶۵۵)، کاروان سرای ورده (شاه عباسی) در شرق شهر مأمونیه (همان)، کاروان سرای عبدالغفارخان باغ شیخ که این کاروان‌سرا در روستای باغ شیخ قرار دارد (قاجار، ۱۳۶۴، ص ۳۴۴) و کاروان‌سراهای شاه عباسی در حوالی دهستان دستجرد (افشار، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲) که در بخش خلستان در نزدیکی ساوه است. اغلب این کاروان‌سراها متعلق به دوره صفویه و در دوران شاه عباس اول است.

نکته مهمی که در زمینه ساختن کاروان‌سراها وجود دارد، اهتمام سازندگان آن به مرمت و تعمیر آن بود. آنها بعد از ساخت کاروان‌سرا و وقف آن، پیگیر وضعیت آن بودند. برای مثال، زینب بیگم، دختر شاه طهماسب، پس از آنکه هزینه ساخت کاروان‌سرای نزدیک ساوه، معروف به بیگم را تقبل کرد، افرادی را برای نظارت در این کاروان‌سرا گماشت تا رفاه حال مسافرین را تأمین کنند و همواره مراقب آن باشند تا از بین نرود. این بانو به شدت مراقبت داشت که تمام ملزومات زندگی در این کاروان‌سرا، بی‌نقص باشد. مردم می‌گویند ملکه مادر، چهار هزار تومان معادل ۱۸۰ هزار لیور خرج ساختن این بنا کرده است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۵). دلاواله در سفرنامه خود می‌نویسد: «پنج‌شنبه شش فرسنگ دیگر راه رفتیم و شب را در کاروان‌سرای بزرگی که در محل نسبتاً دورافتاده‌ای بنا شده بود و کاروان‌سرای بیگم خوانده می‌شد به سر آوردیم. این کاروان‌سرا توسط زینب بیگم، دختر شاه طهماسب و عمه شاه عباس، که اکنون نیز حیات دارد ساخته شده و اطراف آن تماماً متعلق به اوست» (دلاواله،

۱۳۸۴، ص ۳۴۶). با چنین رویکردی در ساخت اماکن و وقف آن و همچنین پیگیری وضعیت کاروان‌سراهایی که هزینه فراوانی برای ساخت آن صرف شده بود، جذب مردم به مذهب سازنده آن بیشتر خواهد شد.

### ۳. راهکارهای فرهنگی - اجتماعی حکومت صفویه در گرایش مردم ساوه به مذهب تشیع

از دیگر عواملی که حکومت صفویه در راستای تغییر مذهب از آن بهره گرفت، عوامل فرهنگی بود؛ از جمله:

#### ۳،۱. ایجاد فرهنگ کوچ‌نشینی توسط شاه‌عباس اول

کوچ‌نشینی از جمله عوامل دارای تأثیرات فرهنگی است. افراد کوچ‌نشین به تبع نوع زندگی، با مردم بسیاری در ارتباط هستند و همواره در حال رفت و آمدند. انتقال فرهنگ به دلیل هم‌جواری بسیار آسان اتفاق می‌افتد و شاهان صفوی با درک این نکته، کوچ‌نشینی را رواج دادند. افراد کوچ‌نشین دارای عقاید شیعی بودند و همین امر سبب انتقال مذهب تشیع به صورت نامحسوس بود. در ادامه، برخی از گونه‌های کوچ‌نشینی در دوره صفویه بیان می‌شود.

#### ۳،۱،۱. کوچ طایفه قزلباش به اطراف ساوه

یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به تشیع، هم‌جواری مردم با کوچ‌نشینان شیعی مذهب بود. کوچ‌نشینی از دیرباز در فرهنگ ایرانیان مرسوم بود. شاهان صفوی نیز از این روش بهره بردند. رساله و دست‌نوشته‌ای در دوران قاجار از مولف ناشناس وجود دارد که به قورخانه (زرادخانه) ای در اطراف شهر ساوه اشاره دارد که توسط صفویان برای استقرار سپاهیان قزلباش ساخته شد (باباپور، ۱۳۹۱، ص ۳۷۴-۳۸۰). با ساخته شدن این زرادخانه، افراد قزلباش به اطراف ساوه کوچ کردند. ارتباط قزلباش به علت هم‌جواری با مردم ساوه، سبب انتقال فرهنگ و مذهب در شهر ساوه شد. بنابراین، عامل کوچ‌نشینی باعث شد تا ملیت‌ها و مذاهب گوناگون در مجاورت یکدیگر قرار گیرند و بر اثر هم‌جواری، تبادل علمی، فرهنگی و مذهبی صورت پذیرفت و به همین علت، مذهب مردم به تدریج تغییر کرد.

### ۳،۱،۲. کوچ ایل بیات به اطراف ساوه

گروهی از ایل بیات<sup>۱</sup> در دشت‌های ساوه و زرنند مستقر شدند (ضرابی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۳) و آنجا را به‌عنوان قلمرو زمستانه خود برگزیدند. ایل بیات از گروه‌هایی بودند که در آغاز حکومت صفویه به آنان پیوستند (پطروشفسکی، ۱۳۵۴، ص ۳۸۷). آنان دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام و اکثر آنها شیعی مذهب بودند (شیروانی، بی‌تا، ص ۱۷۹). بعدها شاه عباس صفوی حکومت ایالت همدان را به اغورلر بیات تفویض کرد. بنابراین منطقه عراق عجم تحت نظارت ایل بیات که شیعی مذهب بودند، قرار داشت. ایل بیات از یک طرف شیعی مذهب بودند و از طرف دیگر مطیع شاه عباس (بدلیسی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۹۵ و صالحی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶-۱۲۷). همین امر باعث می‌شد تا هم جواری ایل بیات با مردم ساوه، آنها را به پذیرش تشیع از یک سو و همراهی با حکومت از سوی دیگر ترغیب کند.

### ۳،۱،۳. کوچ ایل شاهسون به اطراف ساوه

در سال هفدهم حکومت شاه عباس، در جریان تسخیر آذربایجان، نزدیک به دو هزار خانوار شاهسون نزد او آمدند. آنها مورد حمایت شاه عباس واقع شدند و در شهرهای ری، ساوه و فیروزکوه مسکن گزیدند و بسیاری از آنان، در خدمات دیوانی مشغول به کار شدند (نصیری، ۱۳۷۳، ص ۲۹۰). همچنین گفته شده است: «در زمان شاه عباس صفوی جمعی از نمک به حرامان قزلباشیه بر شاه خروج کرده، پای جرأت و جسارت پیش نهادند. شاه عباس فرمود: شاه سون گلون، یعنی هرکه شاه را دوست دارد بیاید. از هر فرقه آمده و طاغیان شاه را شکست دادند. پادشاه آن جماعت را شاهسون نام نهاد و اکنون در میان آن طایفه، طوایف مختلف است» (شیروانی، بی‌تا، ص ۳۱۹-۳۲۰ و کریم‌زاده، ۱۳۵۲، ص ۷۵-۷۸).

قبایل شاهسون اینانلو و بغدادی بزرگ‌ترین قبایل خرقان و ساوه و هر دو از نژاد ترک هستند. ایل شاهسون در نقاط مختلف اطراف شهر ساوه زندگی می‌کردند. ویژگی طبیعی و داشتن روستاهای آباد، داشتن مناطق کوهستانی سرد و جلگه‌های گرم سبب شد تا ایلات

۱. «... طایفه بیات، اصل آنها از دشت قباچاق ترکستان است که در زمان قدیم با ایل قشقائی به فارس آمده‌اند، دو قبیله گشته، یکی با ایل قشقائی موافقت نموده، صحرانشین شده‌اند و دیگری در شهر شیراز توطن نموده‌اند...» (فسایی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۱ و ستوده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲).

شاهسون در اطراف ساوه بیلاق و قشلاق کنند (قاجار، ۱۳۶۴، ص ۳۴۳؛ ناصرالدین قاجار، ۱۳۶۲، ص ۱۸۱-۱۸۲؛ ستوده، ۱۳۸۵، ص ۲۹۷ و ورجاوند، ۱۳۷۵، ص ۴۶۱-۴۶۲). محلّ بیلاق و قشلاق ایل شاهسون بغدادی و طایفه کلوند، بیلاق از خرقان خلج تا خرقان افشار قشلاق در شهریار و وزند ساوه بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص ۱۸۳).

هندس (اندس) از روستاهای ساوه می باشد که اهالی آن، ایل شاهسون بغدادی هستند. گروه‌های اینانلو، کردبگلو، دوریان و بغدادی، از شاهسون‌های ساوه هستند که شباهت اساسی با شاهسون‌های دشت مغان داشتند (تاپر، ۱۳۴۷، ص ۳۳۰). ایل شاهسون گرایش شیعی داشتند، اما دین اسلام را کامل نمی شناختند. از میان معصومین، نام امام حسین علیه السلام را بر زبان جاری می ساختند و به حضرت ابوالفضل علیه السلام تمسک می جستند. آنان قومی مطیع شاه و سرکش و شجاع بودند (دلواله، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳ و ۱۶-۱۶۱ و شیروانی، بی تا، ص ۶۴).

آنچه مهم است ارتباط این گروه با حکومت صفویه و کوچ آنها به ناحیه ساوه و ارتباطشان با مردم ساوه است. با توجه به عوامل موجود، عامل هم جواری نیز می تواند در گرایش مذهبی تأثیرگذار باشد. اگرچه مردم ساوه سال‌ها با مردم آوه که فاصله کمی تا ساوه دارد، هم جواری بودند، اما هم جواری مردم آوه که شیعه بودند در گرایش مذهبی مردم ساوه تأثیر نداشت. زمانی که دولت صفوی با اقداماتی نظیر عمران و آبادانی و توجه به معیشت مردم را در جهت تغییر مذهب انجام داد، هم جواری به عنوان عامل ترغیب کننده توانست این تغییر را سرعت ببخشد.

### ۳،۲. تأثیر تعلیم و تربیت در گرایش مردم ساوه به مذهب تشیع

آموزش در حکومت صفویه، مورد توجه خاص قرار گرفت و ساختن مدارس و مساجد به عنوان نهاد آموزشی و وقف آن رایج گردید (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۳۹). شاهان صفویه با فعال کردن مراکز آموزشی و احداث مدارس، آموزش همگانی را وسعت بخشیدند.

#### ۳،۲،۱. ساختن مدارس علمیه و مساجد به عنوان پایگاه آموزشی

مسجد مهم ترین نقش را در تغییر دادن مذهب داشت. بنابراین ساختن مساجد از نظر تعلیم و تربیت همگانی اهمیت فراوان داشت؛ زیرا از این روش در جهت تغییر بینش مردم بهره

می‌بردند. صفویان از مسجد به عنوان مکان آموزشی استفاده می‌کردند. در سفرنامه اولتاریوس آمده است: «ایرانی‌ها فرزندان خود را به راحتی و زودتر از معمول به مدرسه می‌فرستند. مساجد آنان که محل عبادت است، مدرسه نیز هست و هر شهر به تعداد کوچه‌های آن مسجد دارد.... در ابتدا و آغاز درس، چند آیه از قرآن مجید را از رو تلاوت می‌کنند و بعدها به مرور زمان، قرائت قرآن کریم از آغاز تا پایان، جزئی از درس آنان را تشکیل می‌دهد. پس از تلاوت قرآن، گلستان شیخ و بوستان وی و نیز حافظ که اثر او نیز مانند بوستان، سرشار از نصیحت و اندرز است خوانده می‌شود» (اولتاریوس، ۱۳۶۳، ص ۳۰۱-۳۰۲). بنابراین، فرهنگ شیعی به صورت سنتی در کودکی و در مسجد به فرزندان آموزش داده می‌شد (زمانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲-۱۴۱). به همین علت، برای ترویج فرهنگ تشیع، مساجد و مدارس علمی بسیاری ساخته شد. در ساوه نیز مساجد خراب، بازسازی و مساجد جدید نیز احداث شدند. از جمله مساجد احداثی می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

مسجد میدان بزرگ که مطابق کتیبه سر در آن در سال ۹۲۴ ق در زمان اسماعیل بهادرخان به دست خواجه شمس‌الدین محمد بنا شده است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۶؛ امینی هروی، بی‌تا، ص ۳۹۵؛ رزم‌آرا، ۲۵۳۵، ج ۱، ص ۱۰۹). همچنین دو مسجد با هزینه یوسف عادل‌شاه که از بیجار هند فرستاد، تأسیس شدند (آژند، ۱۳۸۰، ص ۴۱۰ و عالمی، ۱۳۹۳، ص ۷۹-۱۰۶).

یکی از عواملی که حکومت و خواسته‌های آن را از سوی مردم، قابل پذیرش می‌کند، ترویج آموزش رایگان و ساختن مدارس است. حکومت صفویه در این زمینه تلاش کرد و در همه جای ایران و به تبع آن در ساوه، مدارس و حوزه‌های علمیه ساخته شد. تغییر مذهب، با آموزش در مدارس همراه شد و همین مسئله به مردم در انتخاب مذهب کمک کرد.

براین اساس، صفویان از عایدات کاروان‌سراها و اماکن عام‌المنفعه، مخارج مدارس علمی را تأمین می‌کردند. در ساوه، بناهای عام‌المنفعه بسیاری احداث گردید. فراوانی کاروان‌سراها و موقوفات که عامل اصلی در جهت علم‌آموزی بود، در ساوه بسیار دیده می‌شد. شاردن در سفرنامه خود به عایدات همه مدارس اشاره می‌کند. این عایدات از طریق موقوفات و نذورات تأمین می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۳۷ و بخشی، ۱۳۹۶، ص ۱۹).

### ۳.۲.۲. احداث و بازسازی اماکن متبرکه

شاهان صفوی توجه و اهتمام ویژه‌ای به امور اماکن مذهبی و زیارتگاه‌های شیعه از خود نشان می‌دادند. در این دوره، مقابر امامان شیعه و امامزاده‌های سراسر کشور مورد بازسازی و مرمت قرار گرفت و املاک وسیعی وقف آنها گردید (میرخواند، ۱۲۷۰، ص ۲۱۷). توسعه اماکن متبرکه، ارتباط مستقیمی با نشر فرهنگ تشیع دارد. خلاقیت در معماری این اماکن باعث توجه انسان به معنویت می‌شود. از طرفی این اماکن، کارکردی اجتماعی دارند که یکی از آنها وقوفات است. اگر متولی دارای حسن رفتار باشد، سبب محبوبیت و اعتبار اجتماعی امامزادگان می‌شود و همین امر در جذب مردم عامی مؤثر است. در ادامه احداث و بازسازی مقابر امامزادگان در راستای ترویج تشیع توسط صفویان، در شهر ساوه نیز تعداد بسیاری از این اماکن احداث، مرمت و بازسازی شدند که از جمله این اماکن مقدسه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- امامزاده سلطان سید اسحاق از فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام که بنای آن در قرن هفتم هجری ساخته و در دوره‌های بعدی واحدهایی به آن اضافه شد. گنبد فراز بقعه به صورت شلمجی هشت ترک و از آثار دوره صفوی است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۱۲).

- بنای امامزاده زکریا در منطقه خلستان در اطراف ساوه که از آثار دوره صفویه است (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص ۱۷۵).

- امامزادگان عبدالله (موسی)، فضل و سلیمان از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام که آرامگاه آنان در اطراف ساوه، در منطقه آوه می‌باشد. این آرامگاه در دوران سلجوقی بنا گردید و در دوران صفویه رواقی به آن افزوده شد.

- بقعه امامزاده هادی علیه السلام در روستای جمزقان در حدود ۳۰ کیلومتری ساوه که در سال ۹۷۴ ق بنا شد.

- بقعه امامزاده هارون علیه السلام در ده کیلومتری ساوه در بین روستای طریز ناهید و دهکده رضاآباد در زمان قبل از صفویه ساخته شد و صفویان به بنای آن افزودند. بنا بر گزارش میدانی که از این بقعه تهیه گردید، افرادی از روستاهای مختلف هر سال در مهر ماه به این مکان می‌آیند و گوسفندی قربانی می‌کنند. آنها افراد خانواده و فامیل را دعوت

می‌کنند و ناهار را در آنجا می‌مانند. حتی برخی از افراد شبانه به این مکان مقدس می‌آیند و زودتر از دیگران یک شب را در آنجا می‌مانند.

مرقد امامزادگان دیگر که با مرمت و بازسازی صفویه رونق و گسترش یافته است در داخل شهر ساوه (امامزاده سیدعلی اصغر و شاهزاده حسین) و در اطراف شهر ساوه قابل مشاهده است. کارکرد امامزاده‌ها، تأثیر مستقیم در مذهب و تغییر فرهنگ است. در ابتدا سفرهای زیارتی، بدون امکانات بسیار دشوار بود، اما با به وجود آمدن امکانات رفاهی در بین راه و همچنین مرمت زیارتگاه‌ها، باعث زیاد شدن مسافرت‌ها شد. مسافران اماکن مقدسه لازم بود در مسیر خود از شهر ساوه عبور کنند؛ این عمل، هم از نظر اقتصادی ارزش داشت و هم باعث انتقال فرهنگ مذهبی به مردم ساوه می‌شد.

### ۳،۳. تأثیر عالمان ساوه در گرایش مردم ساوه به تشیع

در دوران صفویه، حکومت اسلامی با محوریت مذهب تشیع شکل گرفت. بایسته بود تا ساختار حکومت نیز بر اساس مبانی اسلامی باشد. دولتمردان صفوی به علت منش صوفیانه، با قوانین و احکام اسلامی آشنا نبودند و برای بهره‌گیری از محتویات ناب اسلامی و تثبیت حکومت خود، به وجود افراد عالم به اسلام و قرآن نیازمند بودند. در این میان، علمای شیعه این توان و استعداد قوی را برای رشد و تعالی اسلام و شیعیان داشتند. از این رو، تعامل بین حاکمان و علمای شیعه با توجه به نیازسنجی هر دو گروه شکل گرفت. بر همین اساس، علما در نقاط مختلف از جمله جبل عامل لبنان به سوی کشور اسلامی ایران مهاجرت کردند و توانستند تا حدودی حاکمیت را تحت سلطه عقلانیت اسلامی قرار دهند. همچنین عالمان محلی با تعامل سازنده خود، نقش بسزایی در پیشبرد اهداف شاهان صفوی و اعتلا و حاکمیت تشیع ایفا نمودند. در ساوه نیز عالمانی بودند که در راستای عمران و آبادانی ساوه و پیشرفت علمی تلاش کردند.

سید ابراهیم حسینی سبزواری ساوجی معروف به «مقدس»، عالم زاهد متقی، از اهالی ساوه بود. پدران وی از سادات مختاری سبزواری به ساوه مهاجرت کرده بودند و سید ابراهیم از ساوه به اصفهان آمد (گوپاموی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۳ و مهدوی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۷).

شاهان صفوی برخی مناصب مذهبی، سیاسی و اقتصادی را به علماء و سادات

می دادند. شاه اسماعیل صفوی پس از تسخیر ساوه، وظیفه صدارت را به میرسید شریف پسر تاج‌الدین در ساوه سپرد (عون‌اللهی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۷ و بدلیسی، ۲۰۰۶، ج ۲، ص ۱۱۲). چنین گزینشی سبب می‌شد تا قدرت در دست افرادی قرار گیرد که مروج مذهب تشیع بودند.

رویکرد صفویه در حکومت، همکاری با علماء بود. مردم نیز به عالمان احترام فراوانی قائل بودند و از آنها تبعیت می‌کردند. همین امر در حکومت صفویه باعث شد تا ظرفیت پذیرش فرامین حکومتی از سوی مردم فراهم گردد. پذیرش مذهب تشیع نیز از همین اصل پیروی می‌کرد. رویکرد صفویه در حکومت همکاری با علماء بود. مردم نیز به عالمان احترام بسیار قائل بودند و از آنها تبعیت می‌کردند. همین امر در حکومت صفویه باعث شد تا ظرفیت پذیرش فرامین حکومتی از سوی مردم فراهم شود. پذیرش مذهب تشیع نیز از همین اصل پیروی می‌کرد.

### ۳،۴. نقش تصوف در گرایش مردم ساوه به تشیع

تصوف همراه با گرایش شیعی از جمله عواملی بود که در آستانه ظهور حکومت صفوی، نقش مهمی در جهت مقبولیت مذهب تشیع توسط مردم ایران داشت. صفویه تئوری حکومت خود را با تفکر صوفی بنا نهادند. بنابراین واضح است که حکومتی با چنین تفکری، از سوی صوفیان پذیرفته خواهد شد و در این مسیر آنان را همراهی خواهند نمود.

در این میان، ساوه نیز یکی از مراکزی است که صفویه در آنجا حضور داشتند (لستریج، ۱۴۱۳، ص ۲۴۷). بنیانگذار تصوف قلندریه در ساوه، جمال‌الدین ساوجی بود (ابن بطوطه، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۹۹) و فرقه صفویه در ساوه تا زمان صفویه فعالیت داشتند. در کتاب آثار البلاد و اخبار البلاد (قزوینی، ۱۳۷۳، ص ۴۵۶) و در منابع دیگر، به وجود خانقاه در زمان صفویه در این شهر اشاره شده است (لکهنوی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۰). همچنین روستایی به نام خانقاه در اطراف شهر ساوه وجود دارد که نام‌گذاری آن به این نام به علت وجود خانقاه در این روستا است.

بنابراین وجود فرقه صفویه در ساوه، عاملی بود که در تمایلات مذهبی و حرکت به سمت تشیع نقش داشت. این ویژگی، با عقاید قزلباش همسو بود و همین امر سبب شد که صوفی‌گری در این عصر به عنوان یک عامل مؤثر در جهت گرایش مذهبی، نمود یابد.

## نتیجه‌گیری

دولت صفوی با تشکیل یک حکومت قدرتمند مرکزی، مذهب تشیع را به عنوان دین رسمی اعلام کرد و این در حالی بود که آنها از سوی دو قدرت بزرگ منطقه، یعنی ازبکان و عثمانی تحت فشار بود. آنان با اتحاد مذهبی که در ایران ایجاد کردند در مقابل این دو قدرت ایستادگی نمودند.

روش دولت صفویه برای تغییر مذهب در نقاط مختلف ایران، در مواردی مشترک و در مواردی نیز خاص آن قوم و سرزمین بود. براین اساس، راهکارهای آنان در قالب‌های سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی نمود یافت. مذهب در سه مؤلفه، حضوری پرنسب داشت و خطوط اصلی را تعیین و هدف‌گذاری می‌کرد؛ یعنی محوریت برنامه‌ریزی، مذهب بود و شاهان صفوی به وسیله مذهب، قدرت خود را تحکیم بخشیدند.

دولت صفوی در تغییر مذهب مردم ساوه از روش‌هایی همچون: تأثیر حاکمان، ساختن پایگاه نظامی در اطراف ساوه، بهره‌گیری از اندیشه صوفی‌گری، ساختن کاروان‌سراها، منصب دادن به علما و انتخاب سادات و علما به عنوان حاکمان محلی استفاده کردند. آنان بدین طریق، دین و سیاست را درهم آمیختند.

در بعد فرهنگی، استفاده از راهکار هم‌جواری و تبادل فرهنگی مهاجران شیعی با مردم بومی ساوه، تأثیر زیادی بر ترغیب مردم آن منطقه به تشیع داشت.

تعلیم و تربیت در مساجد و رونق ساخت این اماکن، روند یادگیری عقاید مذهب تشیع را سرعت بخشید و شاید یکی از مهم‌ترین راهکارها بود.

دولت صفوی با بخشش مالیاتی، دادن امور موقوفات به افراد شاخص شیعی، عمران و آبادانی و رونق بخشیدن به کشاورزی، در معیشت مردم بهبود ایجاد کرد و اعتماد آنان را به دولت مرکزی بیشتر نمود.

در ساختار مؤلفه‌های بیان شده، مؤلفه مذهب در همه موارد دخالت داشت و هدف‌گذاری از طریق مذهب انجام می‌شد و بر اساس آن، همه روابط شکل می‌گرفت.

## فهرست منابع

۱. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۱۷ق)، رحلة ابن بطوطه؛ تحفة النظار في غرائب الأمصار وعجائب الأسفار، ریاض: اکادیمیة المملكة المغربية.
۲. ابن فقیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، البلدان، بیروت: عالم الکتب.
۳. ابی صعب، رولاجردی (۱۳۹۶ش)، تغییر مذهب در ایران، ترجمه: منصور صفتگل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. استرآبادی، محمد مهدی بن محمد نصیر (۱۳۷۷ش)، جهانگشای نادری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۵. افشار، حسنعلی خان (۱۳۸۲ش)، سفرنامه لرستان و خوزستان، تصحیح: حمیدرضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۳۸۹ش)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. امینی هروی، صدرالدین (بی تا)، فتوحات شاهی؛ تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ق، بی جا: بی نا.
۸. اولتاریوس، دام (۱۳۶۳ش)، سفرنامه آدام اولتاریوس؛ بخش ایران، ترجمه: احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
۹. آزند، یعقوب (۱۳۸۰ش)، تاریخ ایران؛ دوره صفویان، تهران: جامی.
۱۰. باباپور، یوسف بیگ (۱۳۹۱ش)، «رساله ای در تاریخ ساوه در دوره قاجاریه»، پیام بهارستان، ش ۱۶، تابستان، ص ۳۷۴-۳۸۰.
۱۱. باربارو، جوزوفا (۱۳۸۱ش)، سفرنامه های ونیزیان در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۲. بخشی، موسی الرضا (۱۳۹۶ش)، «آموزش در مدارس عصر صفوی»، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره هجدهم، ش ۳، ص ۱۷-۲۳.
۱۳. بدلیسی، شرف الدین بن شمس الدین (۲۰۰۶م)، شرفنامه، تعریب: محمد علی عون، تحقیق: خشاب یحیی، دمشق: دار الزمان.
۱۴. بروسوی، محمد بن علی (۱۴۲۷ق)، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان و الممالك، تحقیق: مهدی عیدالرواضیة، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۵. بطروشفسکی، ایلیا پولویچ (۱۳۵۴ش)، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
۱۶. ترکمان، اسکندریک (۱۳۸۲ش)، عالم آرای عباسی، تحقیق: ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
۱۷. جملی کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸ش)، سفرنامه کارری، تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۱۸. جنابدی، میرزاییک (۱۳۷۸ش)، روضه الصفویه، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹. حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۵ ش)، جغرافیای حافظ ابرو، تهران: میراث مکتوب.
۲۰. حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶ ش)، «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه؛ بررسی اسناد سیورغال موجود در مرکز آستان قدس رضوی»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش ۶۷، ص ۶۳-۷۸.
۲۱. حسنی، عطاء الله (۱۳۸۵ ش)، «آموزش‌های نظری در عصر صفوی»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش ۵۲، ص ۱۵۳-۱۶۸.
۲۲. حموی، یاقوت (۱۹۸۰ م) معجم البلدان، بیروت: دار الفکر.
۲۳. خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین (۱۳۹۰ ق)، «روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات»، قم: دهاقانی (اسماعیلیان).
۲۴. دروویل، گاسپار (۱۳۷۰ ش)، سفر در ایران، تهران: شبابویز.
۲۵. دلاواله، پیتر (۱۳۸۴ ش)، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه: شجاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷ ق)، رحله دیلاقالیه الی العراق؛ مطلع القرن السابع عشر، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
۲۷. ذکایی ساوجی، مرتضی (۱۳۸۶ ش)، نامه ساوه، مشهد: کردگاری.
۲۸. رزم‌آرا، حسینعلی (۲۵۳۵ = ۱۳۵۵ ش)، فرهنگ جغرافیای ایران، تهران: سازمان جغرافیایی کشور.
۲۹. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵ ش)، «جغرافیای تاریخی ساوه»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۵، ص ۱۷-۳۲.
۳۰. ریچی، مائتو (۱۳۸۷ ش)، چین‌نامه، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۳۱. زمانی، کورش (۱۳۹۰ ش)، «بررسی تعلیم و تربیت در دوره صفویه»، پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان، سال اول، ش ۱، ص ۱-۱۰.
۳۲. ستوده، منوچهر (۱۳۸۵ ش)، نامتاه ایلات و عشایر و طوایف (ایران تاریخی و فرهنگی)، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۳. سیدبنکدار، سیدمسعود (۱۳۹۵ ش)، «بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۵۶.
۳۴. دن گارسیا د سیلوا فیگوتروا (۱۳۶۳ ش)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوتروا، تهران: نشر نو.
۳۵. شاردن، ژان (۱۳۷۲ ش)، سفرنامه شاردن، تهران: توس.
۳۶. شاملو، ولی‌قلی بن داودقلی (۱۳۷۵ ش)، قصص الخاقانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۷. شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۱۴ ق)، دیوان الامام الشافعی، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۸. شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر (بی تا)، بستان السیاحه، تهران: انتشارات سنایی.
۳۹. صالحی، کورش و اکبری، داود (۱۳۹۲ ش)، «والیگری شاهوردیخان بر لرستان و تمرکزگرایی حکومت صفویان»، دوفصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش ۳، ص ۱۱۶-۱۲۷.
۴۰. صدر، حسن (۱۴۲۹ ق)، تکملة أمل الأمل، بیروت: دار المورخ العربی.
۴۱. ضرابی، عبدالرحیم بن محمد ابراهیم (۱۳۷۸ ش)، تاریخ کاشان، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۴۲. عون اللهی، سیدآغا (۱۳۸۷ ش)، تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان، تهران: امیر کبیر.
۴۳. فراهانی، محمدحسین بن مهدی (۱۳۶۲ ش)، سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، تهران: فردوسی.
۴۴. فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲ ش)، فارسنامه ناصری، تهران: امیر کبیر.
۴۵. قاجار، سلطان محمد میرزا (۱۳۶۴ ش)، سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، تهران: نشر نی.
۴۶. قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳ ش)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه: میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیر کبیر.
۴۷. قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵ ش)، تاریخ قم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۴۸. کریمزاده، محمد (۱۳۵۲ ش)، «شاهسون های فارس، پیشینه تاریخی شناخت شاهسون ها»، مجله هنر و مردم، دوره ۱۲، ش ۱۳۶-۱۳۷، ص ۷۵-۷۸.
۴۹. کریمیان، حسن و رحیم نژاد، مریم (۱۳۹۶ ش)، شهر ساوه در دوران اسلامی، تهران: انتشارات پایزنه.
۵۰. کسروی، احمد (۱۳۸۴ ش)، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۵۱. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۸ ش)، سفرنامه های خطی فارسی، تهران: نشر اختران.
۵۲. گوپاموی، محمد قدرت الله (۱۳۸۷ ش)، تذکره نتایج الافکار، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۵۳. لسترینج، گای (۱۴۱۳ ق)، بلدان الخلافة الشرقية، تعریب: بشیر فرنسیس و کورکیس عواد، تهران: شریف رضی.
۵۴. لکهنوی، میرحامد (۱۳۶۶ ش)، عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین علی علیه السلام.
۵۵. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۱ ش)، برگگی از تاریخ قزوین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۵۶. \_\_\_\_\_ (۱۳۳۵ ش)، تربت پاکان، قم: چاپخانه مهر.
۵۷. مرعشی، محمد هاشم بن محمد (۱۳۷۹ ش)، زبور آل داود، شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۵۸. مشار، خان بابا (۱۳۴۰ ش)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تا کنون، بی جا: بی نا.
۵۹. مشتاقی نائینی، علی بن محمد (۱۳۶۶ ش)، گزارش کویر، سفرنامه صفاء السلطنه نایینی (تحفة الفقراء)، تهران: اطلاعات.
۶۰. منتظرالقائم، اصغر و جعفری، علی اکبر (۱۳۹۰ ش)، «مروری بر اهمیت و نقش دولت صفویه در تاریخ تشیع ایرانیان»، مجله سوره اندیشه، ش ۵۶ و ۵۷، ص ۲۲۹-۲۳۷.
۶۱. مهدوی، مصلح الدین (۱۳۸۶ ش)، اعلام اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۶۲. میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۲۷۰ ق)، روضة الصفا، تهران: دارالطباعه خاصه.
۶۳. ناصرالدین قاجار، شاه ایران (۱۳۶۲ ش)، سفرنامه عراق عجم (بلاد مرکزی ایران)، تهران: تیرازه.
۶۴. نصیری، محمد ابراهیم بن زین العابدین (۱۳۷۳ ش)، دستور شهریاران، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۶۵. ورجاوند، پرویز (۱۳۷۵ ش)، سرزمین قزوین، تهران: راستی نو.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی